

پنججاه و سه نفر

د کافه ظهرا با هم زنتش بوده ولی در حقیقت برای سفارت روس فرستاده شده است. این اخبار مثل بسبب نوزدهم ترکید. ما البته باینکه اخبار که از طرف اداره سیاسی منتشر میشه، عادت کرده بودیم. ما میدانستیم که اداره سیاسی هرکاری را یک کلاغ چهل کلاغ میکند. هیچکس از ما تردید نداشتند اینک خود مشیرالسادات این کافه را لو داده است.

و ما تعجب می کردیم که چگونه دکتر بزدی آمد سر سادگی بخرج داده و کافه خود را به مشیرالسادات که چند روزی با او در زندان آشنا شده اطمینان کرده داده است. از این کافه فقط دکتر بزدی و مشیرالسادات اطلاع داشته است. البته صلاح دکتر بزدی نبود که تعریب این مراسم را بکسی برون بدهد بنابراین وقتی نظیه از وجود یک چنین کافه خبر دار شده بود دیگر شکی نبود که خود مشیرالسادات دکتر بزدی را لو داده است. اما بیچاره مشیرالسادات. آمده بود صواب بکنه، کاب شد کی می توانست تصور کند که مدعی الصوم، حافظ و مدافع حقوق جماعت در مقابل عوامل مودی خود جاسوس و دست شائسته رئیس نظیه است!

کی تصور میکرد که مدعی الصوم رئیس مستقیم نظیه مجبور بود هر روز صبح کنار میز رئیس نظیه سر تعظیم فرود آورد و از او تقاضای دستور اوامر نماید.

وقتی شرح زیر است. مشیرالسادات یوخته خود وفا کرد و پیش مدعی الصوم رفته بود و شرح حال پنجاه و سه نفر را که اشخاص بی آزاد و بی گناهی هستند، برای حافظ مدافع حقوق مردم حکایت کرده بود و در ضمن برای اینکه مدعی الصوم ترسد و تصور نکند که با یکی از جاسوس های شهربانی سر و کار دارد، به این فکر افتاده بود که ثابت کند که او مشیرالسادات و از دوستان پنجاه و سه نفر است.

بنا بر این با نظیه ارتباطی ندارد و بهین مناسبت برای جلب توجه مدعی الصوم کافه را که دکتر بزدی برای زنتش نوشته بود ارائه داده بود. همان روز هنگامیکه مدعی الصوم برای عرض ارادت و با بوسی خدمت حضرت اجل رفته بود، کلیه وقایع را چنانچه شاید و باید باریاب و ولی نسبت خود گزارش داده بود.

همان شب دو سرنگ به منزل مشیرالسادات رفته و از او راجع به این مراسم پرسش های کرد بودند. اما مشیرالسادات انکار کرده بود. اما دکتر بزدی تصور اینکه خود مشیرالسادات او را لو داده است، برای اینکه نتوانست پیش از این دست و پای خود را از تارو پودهای این دام جاسوسی گیر اندازد اعتراف کرده بود که بله، سرا سله ای توسط مشیرالسادات برای زنتش فرستاده است، مخصوصا از این لحاظ که ارسال مراسم از طرف زنده ای برای زنتش بیجوجه جرمی نیست و اگر اعتراف بارسال این مراسم نمی کرد، ممکن بود که اداره سیاسی پایش تازه ای برای او ببرد.

فردای آنروز رئیس شهربانی مشیرالسادات را احضار کرد و این مرد ساده فاعل از اینکه ضعی الصوم او را گیر انداخته است، در جواب رئیس شهربانی که آیا دکتر بزدی باز مراسم ای داده است گفت بود. «چته اطمینان دکت بزدی بین مراسم ای نداده است».

دوهر صورت مشیرالسادات راه چهار ماه در زندان افکندند و برای او پرونده ای ترتیب دادند و چیزی ننشاند بود که دست پنجاه و سه نفر را تکمیل کرده نفر پنجاه و چهارم آن گردد.

بچه تعویض مشیرالسادات توانست خود را از این بند تفتت دهد، مربوط به پنجاه و سه نفر نیست و من از شرح آن خودداری میکنم. ولی نباید تصور کرد که جرم مشیرالسادات فقط این بود که مراسم ای از دکتر بزدی برای زنتش از زبان برده بود. کله غیر قابل خط مشیرالسادات این بود که نداشتند داشت تیشه بریده دستگه جانشینکاره شهربانی و حکومت و دوره سیاه میزد. در حالیکه مأمورین اداره سیاسی مافران پنجاه و سه نفر را نیز محروم میکردند و آنها را از پسرانشان می ترسانند و زنتهای آنها را تشویق میکنند که از شوهرانشان طلاق بگیرند و روزی خود را جای دیگری جستجو کنند، و دستگه شهربانی و متعلق آن از قبیل مدعی الصوم و مستطلق ها هم جا ملت ایران را از پنجاه و سه نفر می ترسانند. مشیرالسادات از زندان بیرون آمده و همه جا میگفت که این پنجاه و سه نفر آسمای معمولی هستند کاری نکرده اند و بیگناه گرفتار شده اند».

نضت و وطن نضت

مفتخواری آنهست، رابطه آنها نزوت آنهست، مصالح آنها اشبار غلامان آنهست.

پس ای کسانیکه برای «مأم» ستکشیه مبین «نوحه سرالی میکنید و «خواهران و برادران ایران» را باصناد و افتخار میخوانید، منظور شما کدام خواهران و برادران است!

آیا فقط میخوانید عباراتی خالی از تنق و «پوست دو پوست» گفته باشید یا آنکه واقعا ملتهار طبقه نازپرور جامعه شده اید و آن «برادران بولی» را به اتفاق با یکدیگر دعوت می کنید؛ اگر مقصود اینست محتاج زحمت شما نیست زنجیر اتحاد آنها منگنر از آهن و فولاد است، زنجیر اتحاد آنها زنجیری از زر و سیم دارد و بستکاری شما محتاج نی باشد.

امروز باید سراسر بیان داشت، باید طبق پرگرام دقیقی بکار برداخت امروز «عدالت» «عظمت» «نیکی» «بختی» «مدفحالی» دست آوریم و هر کس که گران است، اما باید این مفاهیم کلی را تجویز کرد، باید فبید که عدالت یعنی چه؟ عظمت در چیست؟ نیکی چیست؟ کد است، هدف عالی کجاست؟ آیا افتخار که سرزمین ایران ریخته و آنچه قتل و غارت مرتکب شده هدف عالی داشته؟

آیا خشایارشا که از اینجا یونان لشکر کشی کرد و دریا را تا زبانه زد و برگشت هدف عالی داشت؟ آیا یونانیانی که ده ها نفر از آنها را برای آسایش روح یک نفر از رفقای اسکندر قربانی میکردند نیکیست بودند؟ آیا ایرانیانی که از تبه دسترس و از خون دل آنها دوازده هزار ۱۲۰۰۰ سگ و بز و بز برای شکار بزرگد سوم جمع آورده و همه را طوق سبب و زدن زده بودند نیکیست بودند؟ آیا معبد خان خواجه که کله گرم خان زنده را از گور در آورده و درزیر بلکان صارت خویش دفن کرده بود تا هر روز از روی آن بگذرد عظمت داشت؟ آیا عبدالله صلاح سرسلطه بنی عباس که در روی اجساد نیه جان بنی امیه سفره انداخت و غذا خورد عظمت داشت؟ آیا هارون الرشید که دامنه خویش را در ذل خشک کشت و نوادگهای خود را در چله انداخت عدالت داشت؟ آیا انوشیروان که دستور داد تا ده هزار و بقولی دوازده هزار و بقولی صد هزار مزدکی را از سر در زمین فرو کرده دور سر و سینه آنها خاک ریخته و پوستانی از نهالهای بدن انسانی درست کردند عدالت داشت؟ پس باید اول مفهوم «هدف عالی» و سایر کلمات برسطراط و ذهن برکن را نمید زیرا بنام همین مفاهیم و به دست آویز همین کلمات بود که این همه جنایات وحشت انگیز و هزاران هزار نظیر آنها روی داده است. پس باید این کلمات را مدنی کرد و برده ابهام را از پیش برداشت.

مختصری از مهمترین اخبار دیروز

چپ شوروی
روز ۱۲ مارس سپاهیان شوروی شهر وایزما را که مرکز خطوط آهن است تصرف در آوردند. در این شهر غلام زیر بدست سپاهیان شوروی افتاد هشت هواپیمای - هشتاد و سه تانک - شصت و نه توپ - دویست و بیست و دو خیاره انداز با صد و شصت و پنج واکن مقدار زیادی گلوله توپ و آلات و اتوات جنگی دیگر در این نبرد ۹ هزار آلمانی کشته شد. از طرف دیگر در جبهه وین وایزما و اسولسک سپاهیان ژنرال یورگایف بطرف جنوب یسرت کرده چندین دهکده و قطار مسکونی را تصرف فرآورده و شهر مهم اسولسک را تهدید مینماید.

صف دماغی
سنرلر ملون وزیر امور خارجه امریکا طبق اخباری که از داخله اروپا بوی رسیده بودیدون آنکه اهیتی بدان دهد اظهار داشت که گویا هینتر نصف دماغی سختی مبتلا شده باشد اخبار دیگری نیز تقریبا موید بیانات اوست: یکی از بزرگترین برنوسور های دنیا اهل نروژ که تخصص وی درمعالجات مغز میباشد چند روز به گوئیگی مسافرت نموده و چون باسلر بلز گشت از وی پرسیدند که مریض تو که بود جواب داد که نیتروان بگویم.

بروز روز جشن «دیران آلمان»
هرسال هینتر نطق میکرد لیکن امسال یکجته بنویس افتاد ۰۰۰ با این فرانس حالشها هم چنکرمی کنه؟ خود دانه!

آگهی بمتصدین داروخانه ها

نظر اینکه طبق آیین نامه مصوب ۱۳۱۹/۶/۲۶ انجمن شهر تهران افتتاح و تاسیس داروخانه باسیتی با اجازه و موافقت تلی اداره بهداشتی شهرداری بوده و هر داروخانه باسیتی تحت نظر مدیر مسئولی که طبق آیین نامه مزبور واجه شرایط لازم باشد اداره شود.

از آنجایی که برخی از داروخانه ها بدون در نظر گرفتن مفاد آیین نامه فون الذکر اقدام بناسیس داروخانه نموده و پروانه لازم از اداره بهداری در دست ندارند.

یکجته متصدیان داروخانه ها چه در شهر و چه در شهربان اخطار میشود که از تاریخ نشر این آگهی تا مدت یککده اصل مدارک تحصیلی و رونوشت آن را به ریوست ورقه خامه خدمت نظام وظیفه یا بربک معالمت دالم از آن دو نقطه عکس - رونوشت مصدق شناسنامه خود را با احتیاطی کسه توی نام و نشانی صحیح (با ذکر اینکه داروخانه در سوزده کدام برون واقع است) بداره بهداری شهرداری (خیابان پهلوی چهارراه امیر اکرم) ارسال تا پس از رسیدگی چنانچه واجه شرایط باشند پروانه بنام آنها صادر گردد.

چنانچه پس از افضله مدت مزبور داروخانه بدون پروانه دافه باشد متصدی آن طبق مقررات تعقیب خواهند شد. ش - ۱۴۷

شهرداری تهران

آگهی مناقصه شماره ۶۸

یککده کل فنی و ساختمان کشور واقع در خیابان شامپور کوچه امیری شماره ۵۶ ساخت و تحویل قطعات بران جهت کارهای تجاری کاخ نوین وزارت دارایی را مناقصه میکند.

اشخاصی که مایل بشرکت در مناقصه باشند می توانند اسناد و مدارک مربوط بان را از یککده کل فنی و ساختمان (دفتر قرار دادها) در مقابل پرداخت قیمت های ذیل دریافت دارند.

اسناد مناقصه - ۲۵۰/ ریال
دفتر مشخصات صوی - ۱۰۰/

پیشنهاد ها باسیتی منتهی تا ۲۱/۱۲/۲۹ ساعت دهمص بدتر یککده تسلیم شوند در روز و ساعت مذکور پیشنهاد ها باز و خوانده خواهد شد.

ش ۱۳۷ - ۲-۲

بگاه کل فنی و ساختمان کشور

چاپخانه فرهنگ

همیشه بهار را با یاور قشونان از هم پاشید چون آب انبار های آنها خراب شد و آیش هرز رفت این شد که قشون آنها مجبور شدند که از آسزنده کشور همیشه بهار بخورند و چشم و گوششان باز شد و بزنگی نکت بار خودشان هوشیار شدند و بیکمرتبه ملتفت شدند که تا حالا دست نشاندگی بکشت کور و کربول دوست واضح شده بودند و از زندگی و آزادی بومی نبرده بودند. زنجیر های خود را پاره کردند، سران سپاه خود را کشتند و با اهالی کشور همیشه بهار دست یکجکی دادند. بد بشهرهای خودشان رفتند و حسنی فوزی و حسینی کچلو هم سیر فضیلهای خودشان را که این زندگی کن را برای آنها درست کرده بودند بتفاس رسانیدند و از نکت و اسارت ملا آزاد شدند.

احمد که هم ایستد بلزن و بیچه اش رفت پیش پیش و بچشهای او که در فراش از زور گریه کور شده بود آب زندگی زد روشن شد و بوی خوشی مشغول زندگی شدند.

همانطوریکه آنها برادرشان رسیدند شام برادران رسیدند
قصه ما پس رسید کلاه بخونش رسید

پایان

آگهی

مرکز فروش روزنامه رهبر در کرمانشاه منازه فرشته است برای تکفوشی و آبرویان و دادن آگهی بخازه مزبور مراجعه فرمایند.

کشور همیشه بهار که از همه جای خیر نسیخ بود و ایلیهای همسایه هایش تا دیروز لاف دوستی و رفقت با آنها میزدند بکه خورد و دستپاچه عشقونی آماده کرد و جلو آنها فرستاد قشون کور و کر مثل مور و ملخ در شهرهای همیشه بهار ریخته و کشتند و چاییدند و ناراج کردند و خاک شهر ها را توریه میکردند و زود کی تریاک و عرق و طلا ببرد میدادند و اسیر ها را به بندگی شهر خودشان میبردند.

احمد که تیر و کانش را برداشت و بیجنگ رفت و کمین نشست. سربازان کور و کر جفت بیجفت بل هم میبندند تا کرها برای سکورها ببینند و کور ها برای سکرها بشنوند احمد نگاه میکرد و تیر بشک آب آنها میزد و بند با چند نفر از رفایش شیه آب ابارهای آنها با وجودیکه باسبانهای کور و کر بالای برج و بارو آنها را میبایدند درب و دامن کرد و تمام آبی که برای قشونان آورده بودند هرز رفت.

چنگ طول کشید و چنان مطلوبه شد که خون میباید و لث سیردما از آنجاییکه اصله طلای کشور زرفشان و مد نایان تاب اصله فولادین کشور

آگهی

مرکز فروش روزنامه رهبر در کرمانشاه منازه فرشته است برای تکفوشی و آبرویان و دادن آگهی بخازه مزبور مراجعه فرمایند.

کتابخانه فرهنگ

آگهی

صاحب فراگوزلو فرزند محمد تقی شغل بشماره سابق البکوز در زیاتنام اصدار یک لامل مولد نسیب دادسرای شهربان تهران واقع و در دادگاه جنه تیره میشود دادستان از برات متهم پژوهشها شده و رسیدگی تحت شماره ۰۸۹۲۰-۱۲۰۸/۲۰ بشیبه سوم دادگاه استان و از ارجاع و چون محل اقامت ضلی مشارالیه معلوم نیست بدین وسیله اخطار میشود که در ظرف سه ماه پس از نشر آخرین آگهی در ششموم دادگاه استان ۲۰۱ جهت رسیدگی حاضر شود و الا پس از گذشتن مدت قانونی و عدم حضور رسیدگی غیابی بعمل خواهد آمد و ضمناً متذکر است که ابلاغت بدی در این مورد یکمرتبه و مدت آن ده روز است مدیر دفتر شبه دوم دادگاه استان ۲۰۱

ش ۱۴۴ - ۳-۱

ابوالفضل کاظمی

داستان بکر

بکشور همیشه بهار شیون زنده و لشکر کور و کر از هر طرف شروع به ناخت و تاز کردند.

اما این دو کشور برای اینکه قشونان مبادا از آب زندگی بخورند و با بسورشان بزنده و چشم و گوششان باز بشود پیش بینی کردند و قرار گذاشتند در شهرهایی که قشون کشی میکردند فوراً آب انبار سازند و از آب گندیده پس آب طلا شوی این آب ابارها را بر بکنند و بخورند قشونان بدمند و هر سربازیک مشک از آب باغوش داشته باشد و مثل شیه عرضی آن را حفظ بکند و اگر مشک آبشرا از دست نیامد بجرم اینکه از آب زندگی خورده بود آگشته شود

تجار عوام فریب و خیره های شرطب آقای مدیر محترم

من چون شما را طرفدار نودم زحمت کش و مردم زنجیر ایران میدانم و با احساسات پاک شایوم مسلکان شما واقف و جدانا سوال میکنم آیا انبوهه انجمن های خیره به برای موقع زمستان و وقتی که برف از آسمان باریده راهبندود شده مردم دست و پا گله گله میسیرند تپیه شده است...

یک روز استراحتی

تپیه ای که از این اشتباه عاید ستاد ارتش معور خواهد گردید این است که اول معور بیا که ذخاری را که برای حله «بهاری» آینده حاضر کرده بودند در قلب زمستان داخل علیات کردند...

فنلاند

از این قبیل آنچه دلتان بخواهد بر حسب تصادف در خانه یکی از آشنایان خود کلکیون مجله ماورین را که مربوط به بیان ایام بود مطالعه میکردم...

گروپ و میلان

لغتن - شب گذشته بسا فکتهای انگلیس انگلیس میهن دیران حله برده اند تا بر نخستین اطلاعاتی که رسیده است بر کارخانه های گروپ خسارات فوق العاده وارد آمده است...

همکاری دو تهای شوروی - امریکا - انگلستان و چین از واجبات است

است. چنین امری که همکاران شوروی و امریکا و انگلستان و چین از واجبات است. ملاقات خواهد نمود چنین اضافه نمود همکاری میان دول انگلیس و امریکا...

مدندو گشتند و سوختند و رفتند

راهنزان فاشیت ناسیست طی ما را با آلمان منقل نموده اند و حشیان بهترین عزارت دولتی از قبیل باشکوه سوار و یگانه جهانگردان و هرات بین المللی و غیره را نموده و بواسطه همین ساختن و پراشگامهای علمی و هرات مستقیم راه آهن و در مانگاه رست و نگارخانه و دانشگاه و بیمارستان و مدرسه و کتابخانه و فرهنگستان و چندین عمارت دیگر را خراب کردند و حتی اهالی را از بقاصد خویش مستحضر نداشتند و از این رو مدتها بن از مردم رستف دروزر آوارمانده و جان دانه دانه از مردان آژن. چهارده تاشفت و از زنان از بازنده سالکی تاشفت سالکی سرشاری کرد و گروه انبوهی از زنان را مانده جار پایان گرفته و آلمان فرستاد و آنها را با هم که در شهر باقی مانده بر اثر بیماری و یا قضی محکوم بربک نمود...

واشنگتن

انگلیس دیروز بعد از ظهر در انجمن روزنامه نگاران چنین اظهار داشت: در این موقع که ما نیرو مندی و قدرت خویش را احساس میکنیم بدین نیز میبایستیم که قوی و نیرومند هستیم. با اینحال پیش از آنکه شاهد پیروزی رادر غاوری و پلخترند دو آغوش بگیریم باید اذعان داشته باشیم که گنا کما میباید چندی در انتظار ما نرفته...

آگهی شماره (۱۱۰)

منافسه خرید روغن - سبب زمین - خرما سر رشته داری مغزهای تهران مغزهای روغن - سبب زمین - خرما سر رشته داری و تا حدود سی درصد که معامله بیش بها میزداد و اولیایان با کسب اطلاعات لازمه از سر رشته داری مغزهای تهران پیشنهادهای خود را در پاکت لاک شده که روی آن عبارت منافسه (هر یک از اعلام) نامبرده نوشته باشد تا روز شنبه ۶ فروردین ۲۲۲۲ بدفتر سر رشته داری آرتش تسلیم و مبلغ ده هزار ریال برای هر قلم بکم سر رشته داری مغزها در خرما داری آرتش سیرده رسید آرا پوست پیشنهاد فرستند پیشنهادها ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۷ فروردین ۲۲۲۲ با حضور پیشنهاد دهندگان حاضر باز و رسیدگی میشود. سر رشته داری مغزها در قبول و یا رد پیشنهادها مختار و سیرده پیشنهاد دهندگان که برنده منافسه شخص داده نشوند. هماروز سیرده میشود. به پیشنهاداتی که پس از خاتمه موعده مقرر برسد ترتیب اثر داده نخواهد شد. رئیس سر رشته داری مغزهای تهران ۱۲/۶/۲۲

این اطلاع و شتباری باز منطبق است

و نظریات هم آهنگ جهانی ستاد معور و چهار اشتبه غیر قابل جبران بود. بیانان رفیق مایطو در خلاصه این رمز استراحتی را در برداشت که در باطن حاوی «تالیسم» فرماندهی عالی شوروی و «ایدالیسم» فرماندهی عالی معور بود. سنی شوروی بدون آنکه تحت تأثیر واقع شوند جریانات را «دیالک تیکی» از مد نظر گذرانند و دچار اشتبه نشوند در صورتیکه معور بیا با باز گرفتن ۸ شهر در ناحیه دلتا نتوانسته خطر عظیمی را که متوجه قلب آنها یعنی جبهه مرکزی است بر طرف سازند...

آیا با بزرگ کردن شک از خون مردم بدبخت و با روی هم کردن ملیونها تومان میتوان با خوار باز و قوت لایوت مردم زنجیر هم بازی کرد؟

آیا با بزرگ کردن شک از خون مردم بدبخت و با روی هم کردن ملیونها تومان میتوان با خوار باز و قوت لایوت مردم زنجیر هم بازی کرد؟ آیا ممکن است انجمن خیره را آلت دست انتصابات کرد و از هم مردم را بترقی اجتناب جلوگیری کرد؟ پس کی و چه وقت دست انتقام ماز آستین بیرون خواهد آمد؟ چه روزی گردن این عوام فریبان از وجدان و اخلاق و همه چیز بیخیزد را خواهد زد؟ آیا سزاوار است همانطور که در فرانسه دویست قاتیل موجبات بدبختی بیست ملیون نفوس میشد در تهران هم دویست نفر تاجر خون ما را در شیشه کنند مگر نه این گرانی اجناس تپیه صل زشت این دویست نفر است...